



ماهیت،

جایگاه قانونی و وظایف سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا

امیرحسین نیازپور*

چکیده:

قاچاق کالا از مهم‌ترین جلوه‌های جرایم اقتصادی است که نقش به‌سزایی در ایجاد ناامنی اقتصادی ایفا می‌کند. به همین دلیل، سیاست‌گذاران جنایی، معمولاً برای پاسخ‌دهی مناسب به این گونه بزه‌کاری تدابیر ویژه‌ای را پیش‌بینی می‌نمایند. در گستره‌ی سیاست جنایی ایران نیز، دست کم از سال ۱۳۱۲ مقررات ماهوی و شکلی ویژه‌ای در این زمینه تدوین شده‌اند که موجبات افتراقی شدن سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق کالا را فراهم آورده‌اند. بدین ترتیب، سیاست‌گذاران جنایی از ره‌گذر مقررات متعدد ماهوی و شکلی، کنترل قاچاق کالا را با استفاده از ابزارهای کنشی (پیش‌گیرانه) و واکنشی (کیفری) مورد توجه قرار داده‌اند. در میان تدابیر واکنشی به ویژه در بعد شکلی، شناسایی دقیق سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا، در کنترل و کاهش میزان این گونه بزه‌کاری بسیار تأثیرگذار است. به همین دلیل، در این نوشتار ماهیت و جایگاه قانونی سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا (بخش الف) و وظایف و رویه‌های (بخش ب) این سازمان‌ها در برابر قاچاق کالا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: قاچاق کالا، سازمان‌های شاکی، سیاست جنایی ایران، سازمان‌های قضایی، سازمان‌های پیرا قضایی.

درآمد:

این جوامع هستند. هنجارهای اقتصادی نیز از جمله ارزش‌های اساسی این جوامع‌اند که تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی از ره‌گذر سازوکارهای یادشده به حمایت از آن مبادرت می‌ورزند. بنابراین، مناسبات و روابط اقتصادی سالم و مبادلات تجاری قاعده‌مند

سیاست‌گذاران جنایی از گذشته تا امروز با استفاده از سلاح کیفر و دیگر سازوکارهای نظام عدالت کیفری، به دنبال حمایت از بنیادی‌ترین ارزش‌های جوامع بشری و برقراری نظم و امنیت در

* امیرحسین نیازپور - دانشجوی دوره‌ی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهیدبهشتی

در قاچاق کالا، از اهمیت به‌سزایی برخوردار می‌باشد.

شاکی از نظر لغوی شکایت‌کننده و اقامه‌کننده‌ی شکایت و دعوی، معنا شده است؛ ولی از حیث اصطلاحی شخصی است که در اثر ارتکاب جرم به صورت مستقیم یا نامستقیم متضرر شده و مطابق مقررات می‌تواند از زیان‌رسان در نهادهای صلاحیت‌دار شکایت کند. به دیگر سخن، شخص صلاحیت‌دار برای طرح شکایت در نهادهای رسمی رسیدگی‌کننده به شکایت را، شاکی گویند. شکایت شاکی، بر اساس بند الف ماده‌ی ۵۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) ۱۳۷۸، از جمله جهات تعقیب و به طور کلی دادرسی کیفری به شمار می‌رود. بدین‌سان، اقامه‌ی دعوی از سوی شاکی سبب می‌شود تا دست‌اندرکاران عدالت کیفری در راستای رسیدگی و سپس تصمیم‌گیری در امور کیفری اقدام نمایند. البته طرح شکایت هنگامی دارای اعتبار است که شاکی، نخست، ذی‌نفع، دوم، دارای اهلیت لازم برای طرح شکایت، و سوم برای نخستین‌بار در جرم ارتکاب یافته، اقامه‌ی دعوی کرده باشد.

بنابراین شاکی می‌تواند با طرح شکایت در نهادهای صلاحیت‌دار کیفری، اسباب شروع فرآیند کیفری و هم‌چنین با اعلام گذشت (استرداد شکایت)، موجبات تغییر سرنوشت جرایم قابل گذشت و غیر قابل گذشت را فراهم آورد. قانون‌گذار ایران در زمینه‌ی پاسخ‌دهی به قاچاق کالا از ره‌گذر شماری از مقررات تقنینی، سازمان‌های شاکی در این خصوص را برشمرد و بدین‌سان، رسیدگی کیفری ناظر به قاچاق کالا را به اقدام‌ها و شکایت این دسته از سازمان‌ها وابسته کرده است. به همین دلیل، این سازمان‌ها، مطابق مقررات ناظر به قاچاق کالا، موظفاند در راستای پاسخ‌دهی به این‌گونه بزه‌کاری گام بردارند. در این نوشتار با بررسی مقررات موجود در این خصوص در دو قسمت ماهیت و جایگاه قانونی (الف) و وظایف و رویه‌های (ب) سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا مورد بررسی قرار می‌گیرد تا از این ره‌گذر به پرسش‌های متعددی در این زمینه پاسخ داده شود.

پرسش نخست: آیا ماهیت

برای پاسخ‌دهی افتراقی به قاچاق کالا در کنار پیش‌بینی این تدابیر سازمان‌های کنترل‌کننده، این‌گونه بزه‌کاری را به منظور پیش‌گیری و هم‌چنین مقابله با ارتکاب قاچاق کالا شناسایی کرده‌اند. بدین ترتیب، این سازمان‌ها با برخورداری از ماهیت انتظامی، اجرایی، قضایی و برعهده‌داشتن وظیفه‌ی کنترل این جرم‌ها و پاسخ‌دهی در راستای کاهش میزان قاچاق کالا، فعالیت می‌نمایند. بر همین اساس برخی از این سازمان‌های مسئول در کشف قاچاق کالا، پی‌گیری‌های لازم در این خصوص از جمله طرح شکایت در نهادهای صلاحیت‌دار و حتی پاسخ‌دهی به مرتکبان این‌گونه بزه‌کاری را بر عهده دارند. بدین‌سان، شماری از این سازمان‌ها به عنوان کشف‌کننده و برخی دیگر در مقام شاکی به دنبال شناسایی قاچاق کالا، دست‌گیری مرتکبان این جرم‌ها، ارائه‌ی شکایت علیه آنان در مراجع صلاحیت‌دار و انجام دیگر وظایف مرتبط با پاسخ‌دهی به قاچاق کالا می‌باشند. بنابراین، سیاست‌گذاران جنایی با برشمردن سازمان‌های مذکور (اعم از سازمان کشف، شاکی و غیره) و پیش‌بینی وظایف آن‌ها، چگونگی برخورد با این‌گونه بزه‌کاری و مرتکبان آن‌ها را تبیین کرده‌اند. از این رو، با توجه به این‌که امروزه جوامع بشری با پدیده‌ی «جهانی شدن اقتصاد» مواجه‌اند و کشور ایران نیز در پرتو این رویکرد با تحولات جدیدی در نظام اقتصادی و تجاری روبه‌رو شده است، شفافیت سیاست جنایی ایران در قبال این‌گونه بزه‌کاری، به ویژه در خصوص سازمان‌های شاکی

از مصادیق این هنجارها به شمار می‌روند که نقض آن‌ها از سوی سیاست‌گذاران جنایی با پاسخ مواجه می‌گردد. با وجود این، امروزه به دلیل پیدایش تحولات اقتصادی و صنعتی و به دنبال آن جهانی‌شدن اقتصاد، روابط اقتصادی میان جوامع مذکور، به صورت ویژه از اهمیت برخوردار شده است. به همین منظور، قانون‌گذاران برای نظم‌بخشی به این روابط و ایجاد تعادل در مناسبات اقتصادی میان جوامع مزبور، ضوابط و قواعدی را پیش‌بینی کرده‌اند که در پرتو آن فعالان عرصه‌ی اقتصادی و تجاری با رعایت آن‌ها به گونه‌ای مطلوب در راستای تعاملات اقتصادی و تجاری سالم گام بردارند. بدین ترتیب، جوامع بشری به موازات تحولات عرصه‌ی اقتصادی و تجاری، مقررات متعددی در سطح‌های مختلف تقنینی به منظور کنترل نظام اقتصادی، بازرگانی و مالی تدوین کرده‌اند. سیاست‌گذاران جنایی ایران نیز تحت تأثیر این تحولات و به منظور تحولات و نظم‌بخشی به تعاملات و مناسبات اقتصادی و تجاری، هم‌چنین حمایت از ارزش‌های نظام اقتصادی و تجاری - که در شماری از مقررات و سیاست‌های بنیادین ایران از جمله بند ۱۲ اصل سوم، اصول مذکور در فصل چهارم قانون اساسی با عنوان «اقتصاد و امور مالی» و هم‌چنین سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی ۱۳۷۹ مورد توجه واقع شده است - مقررات ویژه‌ای را در این راستا تدوین کرده‌اند. در قلمرو سیاست جنایی ایران، نخستین تدابیر واکنشی در قبال قاچاق کالا در سال ۱۳۱۲ با تصویب قانون مجازات مرتکبین قاچاق، متبلور شد. از آن پس سیاست‌گذاران جنایی ایران با تدوین مقررات متعددی در سطح‌های مختلف تقنینی و فروتقنینی (مانند آیین‌نامه، بخشنامه و دستورالعمل) سامان‌دهی نظام اقتصادی و تجاری به ویژه تجارت خارجی و تنظیم نظام بازار در زمینه‌ی صادرات و واردات را با استفاده از ابزارهای متفاوت کنترل‌کننده از جمله سازوکارهای جرم‌انگاری و کیفرگذاری مورد توجه قرار داده‌اند؛ به گونه‌ای که در پرتو این جرم‌انگاری‌ها و دیگر تدابیر کنترل‌کننده، سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق کالا تدوین شد. سیاست‌گذاران جنایی ایران

نخستین تدابیر واکنشی در قبال قاچاق کالا در سال ۱۳۱۲ با تصویب قانون مجازات مرتکبین قاچاق، متبلور شد

سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا به روشنی تبیین شده است؟

دوم) آیا ماهیت این سازمان بیش‌تر جنبه‌ی قضایی دارد یا این که برخی از نهادهای پیراقضایی مانند نیروی انتظامی، نهادهای اقتصادی - تجاری نیز در شمار سازمان مذکور قرار دارند؟

سوم) مبنای قانونی شناسایی شماری از نهادها به عنوان سازمان شاکی در قاچاق کالا کدام است؟

چهارم) آیا جایگاه این سازمان‌ها در مقررات تقنینی ریشه دارد یا این که پایه‌های قانونی آن‌ها را باید بیش‌تر در مقررات فروتقنینی جست؟

پنجم) چه وظایفی به سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا مطابق مقررات موجود واگذار شده است؟

ششم) آیا این سازمان‌ها برای انجام وظایف واگذارشده دارای رویه‌ای مشخص‌اند؟

الف) سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا: ماهیت و جایگاه قانونی

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران، از سال ۱۳۱۲ تا امروز از ره‌گذر مقررات تقنینی و فروتقنینی به ویژه قانون نحوه‌ی اعمال تعزیرات حکومتی راجع‌به قاچاق کالا و ارز (۱۳۷۴) و آئین‌نامه‌ی اجرایی آن (۱۳۷۹) در صدد شناسایی سازمان‌های شاکی در قاچاق

کالا بر آمده‌اند. مطابق بند ب ماده‌ی ۱ آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون مذکور، سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا، نهادهایی هستند «... که به موجب قانون نحوه‌ی اعمال تعزیرات حکومتی راجع‌به قاچاق کالا و ارز ۱۳۷۴ موظف به وصول جریمه و اعلام شکایت و طرح دعوی مرتکبان قاچاق کالا و ارز می‌باشند». بر اساس این بند، اداره‌های مأمور در وصول درآمدهای دولت مانند گمرک و هم‌چنین نهادهایی که بر پایه‌ی مقررات مکلف‌اند در راستای مبارزه با قاچاق و طرح شکایت در این خصوص اقدام کنند، همانند نیروی انتظامی، به عنوان سازمان کاشف در قاچاق کالا شناسایی شده‌اند. بنابراین، نهادهای مذکور - که عمدتاً دارای ماهیت انتظامی،

امنیتی و اجرایی‌اند - برخورد با مرتکبان قاچاق کالا و هم‌چنین طرح شکایت در این زمینه علیه این دسته از بزه‌کاران در نهادهای قضایی و حتی شماری از نهادهای پیراقضایی را بر عهده دارند. در ادامه، ماهیت و جایگاه قانونی این سازمان‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- سازمان‌های اجرایی - اداری شاکی در قاچاق کالا

سیاست‌گذاران جنایی ایران، برای پاسخ‌دهی به قاچاق کالا در شماری از مقررات تقنینی و فروتقنینی ناظر به این گونه بزه‌کاری؛ برخی از نهادهای اداری - اجرایی را به عنوان سازمان شاکی در قاچاق کالا معرفی کرده‌اند. این سازمان‌ها که عمدتاً دارای ماهیت اداری - اجرایی‌اند بر اساس مقررات مربوط به قاچاق کالا، مکلف‌اند در راستای شکایت و اجرای سایر تدابیر پاسخ‌دهنده به این جرم‌ها، اقدام نمایند. بدین‌سان، تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران از ره‌گذر قانون نحوه‌ی اعمال تعزیرات حکومتی، راجع‌به قاچاق کالا و ارز ۱۳۷۴ و آیین‌نامه‌ی اجرایی آن با برشمردن نمونه‌وار (تمثیلی) برخی از نهادهای اداری - اجرایی در صدد شناسایی سازمان‌های شاکی برآمده‌اند. از این رو مطابق بندهای ب و پ ماده‌ی ۱ آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون

نحوه‌ی اعمال تعزیرات حکومتی، راجع‌به قاچاق کالا و ارز ۱۳۷۹ گمرک جمهوری اسلامی ایران، شرکت دخانیات ایران، شرکت سهامی شیلات ایران از جمله نهادهای اداری - اجرایی شاکی در قاچاق کالا معرفی شده‌اند. با وجود این، در این میان، گمرک جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌ی برخورد با قاچاق کالا نسبت به دیگر نهادها از نقش بنیادین برخوردار است. بدین ترتیب، در قلمرو سیاست جنایی ایران، شماری از نهادهای زیر مجموعه‌ی دستگاه اجرایی به عنوان اصلی‌ترین سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا شناسایی شده‌اند تا با رویکردی اداری - اجرایی در راستای طرح شکایت در این زمینه و سپس پاسخ‌دهی به مرتکبان قاچاق کالا، اقدام نمایند.

۲- سازمان اجرایی - انتظامی شاکی در قاچاق کالا

بزه‌کاری پدیده‌ای اجتماعی - انسانی است که مطابق یافته‌های تاریخی حقوق کیفری جوامع بشری، دست‌کم نزدیک به چهار هزار سال با آن رویارویند. این جوامع از آن هنگام تا امروز معمولاً از نهادهای متعددی برای کنترل بزه‌کاری و مقابله با آن استفاده می‌کنند. در این میان، پلیس، نهاد کلاسیک جوامع یاد شده است که به دنبال پاسداری از امنیت، نظم عمومی و ارزش‌های بنیادین اجتماعی می‌باشد. بدین‌سان، پلیس قدیمی‌ترین نهاد عدالت کیفری است که در برقراری آسایش عمومی و ایجاد احساس امنیت در جوامع نقش‌آفرین است. پلیس از نظر لغوی نظم، انتظام، سیاست، حکومت و غیره معنا شده است و از حیث اصطلاحی، سازمانی دولتی است که مسئولیت حفظ نظم، امنیت، آرامش عمومی و هم‌چنین حمایت از بنیادی‌ترین ارزش‌های اجتماعی را بر عهده دارد و در این راستا مکلف به کشف بزه‌کاری؛ جمع‌آوری دلایل مربوط به رفتار مجرمانه؛ دستگیری مرتکبان بزه‌کاری؛ و اجرای تصمیم‌های کیفری بر مجرمان است. پلیس نهادی رسمی است که به طور کلی پیش‌گیری



مطابق مقررات یادشده باید در راستای وظیفه‌ی کلاسیک خود در بعد قضایی که همانا کشف جرم؛ گردآوری ادله‌ی مربوط به جرم واقع شده؛ دست‌گیری بزه‌کاران؛ و سپس معرفی آنان به دستگاه قضایی است، گام بردارد. بر همین اساس، مأموران نیروی انتظامی به موجب بند ۱ ماده‌ی ۱ و مواد ۳ و ۴ این آیین‌نامه، پس از کشف قاچاق کالا و دست‌گیری مرتکبان آن، باید با توجه به ارزش کالاهای قاچاق شناسایی‌شده، به دو شیوه رفتار کنند. به این ترتیب که نخست، اگر مطابق ماده‌ی ۳ «... بهای کالا یا ارز قاچاق در زمان کشف، معادل ده میلیون ریال یا کم‌تر باشد. فقط به ضبط کالا و ارز به نفع دولت اکتفا [کرده] و عین کالا و ارز مکشوفه را با تنظیم صورت‌جلسه‌ی کشف، به اداره‌ی مربوط مأمور وصول درآمدهای دولت، تحویل [دهند]» و دوم، در صورتی که بر پایه‌ی ماده‌ی ۴ «بهای کالا و ارز قاچاق را بیش از ده میلیون ریال تشخیص دهند»، عین کالا و ارزش مکشوفه را به اداره‌ی مربوط مأمور وصول درآمدهای دولت، تحویل [می‌دهند]». بدین‌سان، بر اساس این مواد، نیروی انتظامی تنها به عنوان سازمان کاشف در قاچاق کالا، در شکل نخست، پس از ضبط کالاهای قاچاق، آن‌ها را برای پی‌گیری و اجرای مقررات به سازمان‌های شاکی می‌سپارند و در شکل دوم، بی‌آن که اختیار ضبط این گونه کالاها را داشته باشند، فقط به کشف و سپس فرستادن این کالاها به سازمان‌های مذکور مبادرت می‌ورزند. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود نیروی انتظامی که مطابق مقررات تقنینی و فروتقنینی ناظر به قاچاق کالا در گام نخست در شمار سازمان‌های کاشف در قاچاق کالا قرار دارد، اما با توجه به این مقررات، جایگاه نیروی انتظامی در پاره‌ای موارد از نهاد کاشف به نهاد شاکی تغییر می‌یابد. بدین صورت که بر پایه‌ی تبصره‌ی ماده‌ی ۵ آیین‌نامه‌ی مزبور، اداره‌های مأمور وصول درآمدهای دولت - که به موجب بند ۱ ماده‌ی ۱ این آیین‌نامه اصلی‌ترین سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا به شمار می‌روند - می‌توانند در آن دسته از مناطق که این اداره‌ها تشکیل نشده باشند «... اختیار تشکیل پرونده و اعلام جرم

قانون‌گذار ایران، در آن هنگام با تصویب قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در صدد یک‌پارچه‌کردن نیروهای انتظامی آن زمان (یعنی شهرداری «پلیس شهری»، ژاندارمری «پلیس روستایی» و کمیته‌ی انقلاب اسلامی) برآمد. تدوین‌کنندگان این قانون بدون ارائه‌ی تعریف از نیروی انتظامی، تنها از ره‌گذر ماده‌ی ۳، هدف از تشکیل آن را «استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی، و نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب این قانون، در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران» بیان کرده‌اند تا این سازمان با استفاده از ابزارهای مناسب در راستای دست‌رسی به هدف‌های مذکور اقدام نماید. نیروی انتظامی برای دست‌یابی به این هدف‌ها مطابق بند ۸ ماده‌ی ۴ قانون مزبور، مکلف شده است به عنوان ضابط قوه‌ی قضائیه در زمینه‌ی دست‌گیری بزه‌کاران؛ حفظ آثار و دلایل بزه‌کاری؛ اجرای احکام قضایی - کیفری؛ و کشف جرایم، فعالیت کند. بر همین اساس، مقنن ایران مطابق قسمت ب بند یاد شده، مبارزه با قاچاق کالا را به طور خاص به نیروی مذکور واگذار کرده است تا این نیرو با بهره‌جستن از ابزارهای مناسب پلیسی به کشف قاچاق کالا؛ دست‌گیری مرتکبان جرم مزبور؛ گردآوری دلایل مربوط به آن؛ و اجرای احکام کیفری در این زمینه مبادرت ورزد. نیروی انتظامی در این راستا با تأسیس اداره‌کل مبارزه با قاچاق کالا زیر نظر معاونت امنیت، در صدد ساختار و هدفمند کردن فعالیت‌های خود برآمد تا با رویکردی تخصصی در راستای کنترل قاچاق کالا و مقابله با آن، از جمله‌ی: کشف قاچاق کالا؛ دست‌گیری مرتکبان این جرم‌ها؛ علت‌شناسی این گونه بزه‌کاری و ارائه‌ی روش‌های پیش‌گیری از وقوع آن‌ها گام بردارد. بدین‌سان، مأموران نیروی انتظامی بر اساس قانون مزبور و همچنین بند ۱ ماده‌ی ۱ آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون نحوه‌ی اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز (۱۳۷۹) مکلف شده‌اند به عنوان ضابط قوه‌ی قضائیه و در راستای مبارزه با قاچاق کالا اقدام‌های مناسب مانند کشف این گونه بزه‌کاری را به کار گیرند. بنابراین، نیروی انتظامی

از بزه‌کاری؛ هدایت شهروندان به سوی احترام به مقررات به جای نقض آن‌ها؛ و انجام اقدام‌های لازم برای پاسخ‌دهی به مجرمان را بر عهده دارد. به دیگر سخن، پلیس، سازمان حمایت‌کننده‌ی امنیت، نظم عمومی و آسایش همگانی است که برای دست‌رسی به این هدف‌های اساسی باید در شماری از مرحله‌های فرآیند کیفری به ویژه مرحله‌های شناسایی جرم، تحقیقات مقدماتی و اجرای احکام کیفری به صورت فعال اقدام نماید. سازمان پلیس در قلمرو سیاست جنایی ایران، از گذشته تا امروز مورد توجه سیاست‌گذاران جنایی بوده است؛ به گونه‌ای که در برخی از دوره‌های تاریخی برای این نهاد ساختار منسجم، هدف‌ها و وظایف مشخص پیش‌بینی شده بود. اما در دوره‌ی معاصر پایه‌های نخستین تأسیس سازمان مزبور را باید در نظام‌نامه‌ی اداره‌ی نظمیه (۱۳۰۳) جست. نظمیه یا پلیس شهری بر اساس ماده‌ی ۱ این نظام‌نامه «هیأتی کشوری [بود] که در شهرها مراقبت امنیتی عمومی و استقرار نظم، اجرای احکام، نظام‌نامه، قوانین و قواعد اداری و قضایی ... را بر عهده داشت». بدین‌سان، مطابق ماده‌ی مذکور، وظیفه‌ی پاسداری از امنیت و نظم شهرها به نظمیه (پلیس شهری) واگذار شده بود. پس از آن تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران، با تدوین آیین‌نامه‌ی خدمت ژاندارمری کل کشور (۱۳۸۲) تأسیس این نهاد. «... به منظور حفظ انتظامات، استقرار امنیت عمومی و نگهداری راه‌ها، آسایش عمومی و اجرای قوانین، جلوگیری از تخلف و قوانین و مقررات و بی‌نظمی، کشف جرایم، تعقیب و دست‌گیری مرتکبین در تمام راه‌ها و در نقاطی که شهرداری وجود ندارد ...» را مورد توجه قرار داده‌اند. بنابراین، سیاست‌گذاران جنایی ایران از ره‌گذر مقررات یادشده به تأسیس نظمیه (پلیس شهری) و ژاندارمری (پلیس برون شهری روستایی) اشاره کرده‌اند تا در پرتو تشکیل این دو نهاد و واگذاری وظایف متعدد انتظامی، امنیتی و غیره به آن‌ها، موجبات برقراری امنیت، آسایش و نظم عمومی در سطح جامعه فراهم گردد. این دسته‌بندی از پلیس، در نظام سیاست جنایی ایران تا سال ۱۳۶۹ رسمیت داشت تا این که

علیه متهمان ...» را به سازمان‌های کاشف از جمله نیروی انتظامی واگذار نمایند. بدین ترتیب، نیروی انتظامی با توجه به تبصره‌ی مذکور، در صورت برخورداری از این اختیار، باید افزون بر شناسایی قاچاق کالا و انجام دیگر وظایف کلاسیک واگذار شده، در راستای اعلام جرم و نیز تشکیل پرونده برای متهمان به ارتکاب قاچاق کالا و ارسال آن به نهادهای قضایی، اقدام کند. بنابراین، نیروی انتظامی در شرایط ویژه، می‌تواند به عنوان سازمان شاکی و برای پاسخ‌دهی به مرتکبان این گونه بزه‌کاری، به طرح شکایت در این خصوص مبادرت ورزد.

ب) سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا: وظایف و رویه‌ها

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران از ره‌گذر شماری از مقررات تقنینی و فروع تقنینی وظایف متعددی را برای سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا بر شمرده‌اند. این وظایف به طور کلی در دو دسته‌ی پیراقضایی و قضایی تقسیم می‌شوند. وظایف پیراقضایی با برخورداری از ماهیت اداری و اجرایی شامل آن دسته از تکالیف سازمان‌های شاکی است که باید در مرحله‌ی پیراقضایی (غیر قضایی) انجام شوند. اما وظایف قضایی در برگیرنده‌ی مجموعه‌ی تکالیف سازمان‌های شاکی در برابر نهادهای قضایی و هنگام رسیدگی به قاچاق کالا است. بدین ترتیب، در مرحله‌ی پیراقضایی از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های نهادهای غیر قضایی (اداری - اجرایی و غیره)، و در مرحله‌ی قضایی، از امکانات و ابزارهای نظام قضایی برای پاسخ‌دهی به قاچاق کالا استفاده می‌شود. در ادامه از هر یک از این وظایف در مرحله‌های یاد شده سخن به میان می‌آید.

۱- وظایف سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا در مرحله‌ی پیراقضایی

مرحله‌ی پیراقضایی که مرحله‌ی غیر قضایی نیز نامیده می‌شود، نخستین مرحله از فرایند پاسخ‌دهی به قاچاق کالا است که بر اساس آن، سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا، با استفاده از سازوکارهای غیر قضایی از جمله اداری - اجرایی در صدد پاسخ‌دهی به مرتکبان قاچاق کالا بر می‌آیند. به دیگر سخن،

این مرحله با برخورداری از ماهیتی اداری - اجرایی، بدون استفاده از ابزارهای نظام قضایی و رعایت تشریفات ناظر به رسیدگی قضایی، به دنبال پاسخ‌دهی به این گونه بزه‌کاری است. در این مرحله، دست‌اندرکاران سیاست جنایی، خارج از گستره‌ی نظام قضایی، رسیدگی به قاچاق کالا را مورد توجه قرار می‌دهند. از این رو، سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا و هم‌چنین برخی از نهادهای اجرایی - قضایی به ویژه سازمان تعزیرات حکومتی پس از دریافت اطلاعات لازم از سوی سازمان‌های کاشف، باید رأساً در راستای پاسخ‌دهی به مرتکبان قاچاق کالا و تعیین مجازات در این زمینه، اقدام نمایند.

سازمان‌های شاکی با برخورداری از این وظایف، در مرحله‌ی پیش‌دادرسی به عنوان شکایت‌کننده، کارشناس و حتی در برخی موارد راهبر نهادهای قضایی در دادرسی ناظر به قاچاق کالا مداخله می‌کنند

۱-۱- وظایف ناظر به دادرسی پیراقضایی در سازمان‌های اجرایی - اداری
سازمان‌های شاکی مطابق بند ب ماده‌ی ۲ قانون نحوه‌ی اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارزش (۱۳۷۴) و مواد ۳ و ۴ آیین‌نامه اجرایی آن، مکلف شده‌اند در صورتی که بهای کالاهای قاچاق ده میلیون ریال یا کم‌تر از آن باشد، تنها در خصوص ضبط این دسته از کالاها تصمیم‌گیری نمایند و در مواردی که ارزش کالاهای قاچاق از سوی سازمان کاشف بیش از ده میلیون ریال ارزیابی شده باشد، باید افزون بر اتخاذ تصمیم در زمینه‌ی ضبط این گونه کالاها، نسبت به تعیین جزای نقدی به میزان دو برابر ارزش آن‌ها

نیز تصمیم‌گیری نمایند. بدین‌سان، سازمان‌های شاکی پس از شناسایی کالاهای قاچاق دارای ارزش به میزان ده میلیون ریال و کم‌تر از آن، فقط نسبت به ضبط آن‌ها و در خصوص کالاهای دارای ارزش به میزان بیش از ده میلیون ریال و هم‌چنین اعلام رضایت متهمان مبنی بر پذیرش و تحمل پاسخ‌های تعیین‌شده (جزای نقدی و ضبط کالاهای قاچاق)، باید نسبت به اعمال این پاسخ‌ها مبادرت ورزند.

بنابراین، سازمان‌های شاکی در این مرحله، بدون مراجعه به نهادهای قضایی می‌توانند به پرونده‌های مربوط به قاچاق کالا، با رعایت تشریفات اداری - اجرایی رسیدگی کنند. از این رو، سازمان‌های شاکی در صورت پذیرش پاسخ‌های تعیین‌شده از سوی مرتکبان قاچاق کالا «... از تعقیب کیفری متهم از حیث عمل قاچاق و شکایت علیه وی صرف‌نظر نمایند». به دیگر سخن، این سازمان‌ها پس از اعلام رضایت متهمان مبنی بر تحمل کیفرهای مالی ناظر به قاچاق کالا، نمی‌توانند نسبت به پی‌گیری پرونده‌ی این دسته از مرتکبان در مراجع قضایی، اقدام کنند؛ مگر این که بر پایه‌ی این ماده، متهمان، جزای نقدی تعیین‌شده را پرداخت نمایند. در این صورت سازمان‌های شاکی مطابق ماده‌ی مذکور و ماده‌ی ۷ آیین‌نامه‌ی اجرایی آن مکلف‌اند «به مدت پنج روز اداری از تاریخ کشف کالای قاچاق، پرونده‌ی مرتبط با آن را به مراجع قضایی یا سازمان تعزیرات حکومتی ارسال نمایند». بدین‌سان، سازمان‌های شاکی، در این مرحله باید در راستای قضازدایی و رسیدگی سریع به پرونده‌های مربوط به قاچاق کالا از ره‌گذر رسیدگی اداری - اجرایی یا رسیدگی پیراقضایی، تصمیم‌های متناسب با جرم واقع شده را در پیش بگیرند.

افزون بر این، سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا، مطابق مواد ۱۴، ۱۹ و ۲۰ آیین‌نامه‌ی مذکور، باید در راستای اجرای تصمیم‌های پیراقضایی نیز اقدام نمایند. بر اساس ماده‌ی ۴۱ «ضبط کالا و ارزش قاچاق در مرحله‌ی اداری بر اساس بندهای الف و ب ماده‌ی ۲ قانون صورت می‌گیرد و اعتراض متهم یا متهمان، مانع اجرای عملیات ضبط؛ دریافت جریمه‌ی

می‌تواند در قضا‌دایی و کاهش تورم پرونده‌های قضایی - کیفری نقش آفرین باشد، اما به نظر می‌رسد ملزم نبودن این دسته از سازمان‌ها به رعایت الزامات نهادهای قضایی به ویژه در زمینه حقوق دفاعی متهمان سیاست جنایی ایران در این قلمرو، اقتدارگر و در نتیجه امنیتی کند. بدین ترتیب، واگذاری وظایف و اختیارات نهادهای قضایی به نهادهای پیراقضایی به ویژه نهادهای اداری - اجرایی به دلیل رعایت نکردن تشریفات دادرسی‌های قضایی - کیفری، با آموزه‌های دادرسی و رفتار عادلانه و به طور کلی الزامات مربوط به حقوق متهمان و بزه‌دیدگان، سازگار نیست؛ اگر چه این راهبرد می‌تواند در برخی موارد با ضوابط ناظر به مدیریت عدالت کیفری همسو باشد. با وجود این، به نظر می‌رسد تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران به دلایل متعدد به ویژه قضا‌دایی؛ کاهش

داشتن وظیفه‌ی رسیدگی پیراقضایی، وظیفه‌ی اجرای تصمیم‌های اتخاذشده در این مرحله را نیز بر عهده دارند. از این‌رو، سیاست‌گذاران جنایی با واگذاری این وظایف (یعنی رسیدگی و اجرای تصمیم‌های پیراقضایی) به سازمان‌های مذکور، افزون بر طرح شکایت در این زمینه، به دنبال بالا بردن سطح این سازمان از شاکی - شاکی به شاکی - رسیدگی کننده بوده‌اند تا در پرتو این دسته از مقررات، اصطلاح شاکی در نظام کیفری ایران باز تعریف شود؛ زیرا مطابق مقررات یاد شده، سازمان‌های مزبور باید نخست رأساً نسبت به دریافت جزای نقدی و ضبط کالاهای قاچاق اقدام کنند و دوم در صورت رضایت نداشتن متهمان به این‌گونه پاسخ‌ها یا پرداخت نکردن جزای نقدی، به طرح شکایت در نهادهای عدالت کیفری مبادرت ورزند. این تدبیر با وجود تأثیرگذاری بر سرعت رسیدگی‌ها

فروش کالا، و واریز وجوه و سایر اقداماتی که در این مرحله به موجب قانون صورت می‌گیرد، نخواهد بود».

بدین‌سان، سازمان‌های مذکور مطابق ماده‌ی ۲ قانون مذکور و مواد ۳، ۴، ۶ و ۲۰ آیین‌نامه‌ی اجرایی آن، موظف‌اند که سریعاً پس از ضبط کالاهای قاچاق، نسخه‌ی دوم «... پرونده را به سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی تحویل دهند...» تا این سازمان از ره‌گذر مزایده، این کالاها را به فروش برساند. البته با توجه به تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۲۰ آیین‌نامه‌ی مزبور، سازمان‌های شاکی باید «کالاهای قاچاق مکشوفه‌ی دখانی و شیلاتی [را] تحویل شرکت‌های دخنایات و شیلات [دهند تا آن‌ها] بلافاصله پس از ضبط، کالاهای قاچاق تحویلی را وفق مقررات به فروش رسانیده و [در زمینه‌ی] وجوه حاصل از فروش...» مطابق مقررات مذکور اقدام نمایند. بدین ترتیب، سازمان‌های شاکی پس از اتخاذ تصمیم متناسب با ارزش کالاهای قاچاق؛ مکلف‌اند اقدام‌های لازم در زمینه‌ی چگونگی پاسخ‌دهی به مرتکبان این رفتار مجرمانه و ضبط این کالا را - که همانا تحویل کالا به سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی است - به کار گیرند. سازمان‌های شاکی در زمینه‌ی اجرای جزای نقدی نیز به موجب ماده‌ی ۳۱ آیین‌نامه‌ی مزبور، دارای وظایف متعدد از جمله: دریافت کلیه‌ی جریمه‌های مربوط به قاچاق کالا و سپس واریز کردن آن‌ها به حساب ویژه‌ای که به این منظور ایجاد شده، می‌باشند. البته بر پایه‌ی ماده‌ی ۷ این آیین‌نامه، در صورت پرداخت نشدن جزای نقدی از سوی متهمان، این سازمان‌ها موظف‌اند «... حداکثر ظرف پنج روز اداری از تاریخ کشف کالا و ارز قاچاق، پرونده‌ی متشکله را تکمیل و حسب مورد، به مراجع قضایی یا محاکم تعزیرات حکومتی اعزام نمایند». بدین‌سان، بر اساس این ماده، پرداخت نکردن جزای نقدی از سوی مرتکبان این گونه بزه‌کاری، اسباب ملزم‌شدن سازمان‌های شاکی به آماده‌سازی پرونده‌های مرتبط با قاچاق کالا برای ارسال به مراجع قضایی را فراهم می‌کند. بنابراین، ملاحظه می‌شود که سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا، افزون بر به عهده



تورم پرونده‌های کیفری؛ و هزینه‌های نظام قضایی، رویکرد مدیریتی در این گستره را بر رویکرد فرمدمدار (متهم‌مدار و بزه‌دیده‌مدار) مقدم شمرده‌اند و رسیدگی کیفری و حتی اجرای تصمیم‌های اتخاذشده را به نهادهای پیراقضایی سپرده‌اند.

۱-۲- وظایف ناظر به دادرسی پیراقضایی در سازمان اجرایی - قضایی

تدوین‌کنندگان قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی (۱۳۷۶) در سال ۱۳۷۳ «با توجه به ضرورت نظارت و

موجبات گذر از حقوق‌گرایی و گرایش به سوی اقتدارگرایی را فراهم می‌کند؛ بدین معنا که نهادهای پیراقضایی (مانند نهادهای اجرایی - اداری) به جای نهادهای قضایی، در راستای پاسخ‌دهی به مرتکبان قاچاق کالا اقدام کرده و با توجه به این که دست‌اندرکاران نهادهای پیراقضایی، ملزم به رعایت تشریفات قضایی از جمله ضوابط ناظر به دادرسی عادلانه و رعایت حقوق دفاعی متهمان، نمی‌باشند، سیاست جنایی ایران در این زمینه جنبه‌ی امنیت‌مداری به خود می‌گیرد. بدین‌سان، اگرچه تدبیر یادشده

کنترل دولت بر امور اقتصادی و لزوم هماهنگی مراجع قیمت‌گذاری و توزیع کالا و اجرای مقررات و ضوابط مربوط به آن، کلیه‌ی امور تعزیرات حکومتی بخش دولتی و غیر دولتی اعم از امور بازرسی و نظارت، رسیدگی و صدور حکم قطعی و اجرای آن... را به دستگاه اجرایی واگذار کرده‌اند. در راستای اجرای این قانون، هیأت وزیران در آن سال با تصویب آیین‌نامه‌ی سازمان تعزیرات حکومتی، نسبت به تأسیس این نهاد، همت گمارده؛ بدین‌سان، سازمان تعزیرات حکومتی مطابق بند الف ماده‌ی ۱ آیین‌نامه، زیر نظر وزیر دادگستری و به منظور نظارت بر عملکرد نهادهای دولتی و غیر دولتی، در زمینه‌ی قیمت‌گذاری و توزیع کالاها، امور ارزی و رعایت معیارهای متعارف حرفه‌ای - صنعتی تأسیس شده است. بنابراین، نظارت روند تولید، توزیع و مصرف، هم‌چنین رسیدگی به جرم‌های واقع‌شده در فرایندهای مذکور، در شمار وظایف این سازمان قرار گرفته است تا این سازمان با رویکردی پیراقضایی، به جرم‌های اقتصادی از جمله قاچاق کالا رسیدگی کند.

سازمان تعزیرات حکومتی برای انجام این وظایف، از معاونت‌ها و اداره کل‌های متعددی تشکیل شده است. اما در این میان، اداره کل مبارزه با قاچاق کالا و اداره کل نظارت بر اجرای احکام امور بهداشتی، بیش از دیگر نهادها و به شکل ویژه، در راستای کاهش میزان شماری از جرم‌های اقتصادی (یعنی جرم‌های قاچاق کالا و ارز، صنفی، بهداشتی، دارویی و غیره) گام بر می‌دارند. این اداره کل‌ها برای پیش‌گیری از این جرم‌ها؛ با تدوین راهبردهای مختلف، به دنبال آموزش و تربیت نیروی کارآمد برای پیش‌گیری از جرم‌های یاد شده؛ بسترسازی به منظور مشارکت نهادهای جامعه‌ای در این زمینه؛ ایجاد تعامل میان نهادهای رسمی و غیر رسمی برای ایجاد هم‌گرایی در اتخاذ سیاست‌های هماهنگ در این موارد؛ فرهنگ‌سازی فراگیر؛ و غیره می‌باشند. بدین ترتیب، سازمان تعزیرات حکومتی با برخورداری از کارکردهای کنشی و واکنشی، و از یک سو با به کارگیری تدابیر نظارتی، فرهنگ‌ساز و به طور کلی غیر کیفری، در صدد پیش‌گیری از مصادیق بزه‌کاری‌ها و پاسخ‌دهی به مجرمان این جرم‌ها، در راستای کاهش

میزان تکرار این گونه جرم‌ها، می‌کوشد. بدین‌سان، سیاست‌گذاران جنایی ایران اتخاذ تدابیر مناسب کیفری و غیر کیفری برای کاهش شمار جرم‌های اقتصادی مانند قاچاق کالا را، به سازمان تعزیرات حکومتی برخوردار از ساختار اجرایی - قضایی واگذار کرده‌اند. از این‌رو، با توجه به این که سازمان تعزیرات حکومتی بر اساس قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی (۱۳۷۳)، قانون نحوه‌ی اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز (۱۳۷۴) و آیین‌نامه‌های اجرایی این دو قانون، مکلف به رسیدگی به پرونده‌های مربوط به قاچاق کالا است، سازمان‌های شاکی نیز در خصوص رسیدگی به جرم‌های یاد شده در سازمان تعزیرات حکومتی، وظایف متعددی را بر عهده دارند.

این وظایف عمدتاً ناظر به طرح شکایت و پی‌گیری پرونده در سازمان تعزیرات حکومتی، برای رسیدگی و تصمیم‌گیری است. بدین‌سان، بر اساس تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۴ قانون نحوه‌ی اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز (۱۳۷۴) مقرر شده است که: «در صورت عدم رسیدگی یا تطویل دادرسی و عدم تعیین تکلیف قطعی پرونده در مدت تعیین شده، سازمان تعزیرات حکومتی موضوع ماده‌ی واحده‌ی قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۳/۷/۲۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام ... با درخواست سازمان شاکی می‌تواند همان پرونده را از محاکم قضایی یا سازمان شاکی مطالبه، و طبق جرایم و مجازات‌های مقرر در قوانین مربوط و این قانون اقدام نماید». بنابراین، سازمان‌های شاکی مکلف‌اند آن دسته از پرونده‌های مربوط به قاچاق کالا را که مطابق ماده‌ی ۴ این قانون و ماده‌ی ۱۰ آیین‌نامه‌ی اجرایی آن در مدت یک ماه از تاریخ دریافت پرونده مورد تصمیم‌گیری (صدور رأی) دادگاه‌ها واقع نشده‌اند، به سازمان تعزیرات حکومتی ارسال نمایند. بدین ترتیب، سازمان‌های شاکی بر پایه‌ی مواد مذکور، صرفاً طرح شکایت در زمینه‌ی قاچاق کالا و ارسال پرونده‌ی مرتبط با آن به سازمان تعزیرات حکومتی را بر عهده دارند. افزون بر این، با توجه به قسمت پایانی تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۴ قانون و ماده‌ی ۸ آیین‌نامه‌ی

یاد شده، سازمان‌های شاکی در این زمینه موظف‌اند «در مناطقی که محاکم قضایی (شامل دادگاه‌های انقلاب و یا دادگاه‌های عمومی) برای رسیدگی به پرونده‌های قاچاق وجود ندارند تا ایجاد تشکیلات قضایی، این پرونده‌ها را به سازمان تعزیرات حکومتی... تحویل دهند. بدین‌سان، سازمان‌های شاکی بر اساس مواد مذکور، مکلف شده‌اند با پی‌گیری سرنوشت پرونده‌های مرتبط با قاچاق کالا، از یک سو بر عملکرد نهادهای قضایی در زمینه‌ی رسیدگی سریع به این گونه جرم‌ها نظارت کنند و از سوی دیگر، در صورت نبود نهادهای قضایی رسیدگی‌کننده و سپس ارسال این پرونده‌ها به سازمان تعزیرات حکومتی، از بی‌کیفرمانی مرتکبان قاچاق کالا ممانعت به عمل آورند. هم‌چنین، سازمان‌های شاکی در این مرحله از رسیدگی پیراقضایی، وظیفه‌ی اعتراض به رأی برائت صادرشده از سوی سازمان تعزیرات حکومتی را مطابق تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۵۱ آیین‌نامه‌ی مزبور بر عهده دارند. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که سیاست‌گذاران جنایی ایران، با واگذاری این دسته از وظایف به سازمان‌های شاکی در هنگام رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا در سازمان تعزیرات حکومتی، صرفاً به دنبال ایفای نقش این سازمان‌ها به عنوان یک شاکی در معنای کلاسیک خود بوده‌اند.

۲- وظایف سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا در مرحله‌ی قضایی

مرحله‌ی قضایی - کیفری یا فرایند کیفری، دومین مرحله از فرایند پاسخ‌دهی به قاچاق کالا است که در پرتو آن، دست‌اندرکاران نظام قضایی با استفاده از ابزارهای خود، در راستای پاسخ‌دهی به جرم‌های مذکور گام بر می‌دارند. به دیگر سخن، در این مرحله، رسیدگی به قاچاق کالا از طریق نهادها و سازوکارهای قضایی انجام می‌پذیرد. بدین ترتیب، مرحله‌ی قضایی دربرگیرنده‌ی مجموع تدابیر دستگاه قضایی برای پاسخ‌دهی به قاچاق کالا است که به مرحله‌های متعدد پیش‌دادرسی، دادرسی و پس‌دادرسی تقسیم می‌شود. در ادامه، وظایف سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا در هر یک از این مرحله‌ها

و به طور کلی الزام مرتکبان قاچاق کالا، اسباب پرداخت و تحمل جزای نقدی از سوی آنان فراهم گردد.

بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که سازمان‌های شاکی در این مرحله نیز با توجه به وظایفی که بر عهده دارند، بیش از شاکی در دعاوی کیفری نقش‌آفرین‌اند؛ زیرا برای نمونه، درخواست آن‌ها مبنی بر صدور قرارهای تأمین کیفری، صرفاً یک تقاضای قابل بررسی از سوی شاکی توسط مقام‌های قضایی به شمار نمی‌رود؛ بلکه این مقام‌ها بر اساس قسمت پایانی ماده‌ی مذکور، یعنی عبارت «... [پس] پیش‌نهاد سازمان شاکی برعهده‌ی محکمه‌ی صالحه می‌باشد»، مکلف به صدور قرارهای مذکور

می‌باشند. بدین‌سان، سازمان‌های شاکی با برخورداری از این وظایف، در مرحله‌ی پیش‌دادرسی به عنوان شکایت‌کننده، کارشناس و حتی در برخی موارد راهبر نهادهای قضایی در دادرسی ناظر به قاچاق کالا مداخله می‌کنند؛ از این رو، به نظر می‌رسد این گونه مداخله‌ها سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق کالا را به سوی امنیت‌مداری پیش می‌برد؛ زیرا بر اساس تعریف کلاسیک از شاکی، وی پس از تحمل صدمه از سوی مرتکب جرم، فقط از اختیار طرح شکایت در نهادهای صلاحیت‌دار رسیدگی کننده، برخوردار است و نمی‌تواند در فرایند رسیدگی و حتی تصمیم‌گیری‌ها به گونه‌ای مؤثر مداخله کند؛ در حالیکه با توجه به وظایف و اختیارات پیش‌بینی شده برای سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا، آن‌ها به عنوان اصلی‌ترین بازیگر فرایند کیفری ناظر به قاچاق کالا، در همه‌ی مرحله‌ها و حتی تصمیم‌گیری‌ها، نقش‌آفرین‌اند.

۲-۲- وظایف ناظر به مرحله‌ی دادرسی و پس‌دادرسی

مرحله‌ی دادرسی یا محاکمه، در برگیرنده‌ی مجموعه‌تدابیر نظام عدالت کیفری است که بدین منظور سازمان‌های شاکی، باید در راستای اجرای احکام کیفری نسبت به ضبط کالاهای قاچاق



سازمان‌های مذکور بر پایه‌ی تبصره‌ی ماده‌ی ۶ دستورالعمل یاد شده، مکلف‌اند در این مرحله برای تکمیل تحقیقات نیز «ظرف پنج روز به استعلامات دادگاه، پاسخ [گویند] و در صورتی که دادگاه حضور نماینده‌ی سازمان شاکی را جهت ادای توضیحات لازم بداند...» نسبت به انجام این وظیفه، اقدام‌های لازم را به کار گیرند. بدین ترتیب، سازمان‌های شاکی در این مرحله باید در کنار اقامه‌ی دعوی و طرح شکایت به عنوان کارشناس نیز، به دست‌اندرکاران قضایی برای پاسخ‌دهی به قاچاق کالا کمک کنند.

هم‌چنین، سیاست‌گذاران جنایی ایران بر اساس ماده‌ی ۶۱ آیین‌نامه‌ی اجرایی مذکور درخواست صدور قرارهای تأمین کیفری را به این سازمان‌ها واگذار کرده‌اند. از این‌رو، مطابق ماده‌ی مزبور، «صدور قرار بازداشت و سایر قرارهای تأمین‌ی در مواردی که برای امکان وصول جریمه ضرورت دارد با پیش‌نهاد سازمان [های] شاکی، بر عهده‌ی محکمه‌ی صالحه می‌باشد». بنابراین، سازمان‌های شاکی باید در مواردی که احتمال دریافت جزای نقدی با صدور قرارهای تأمین کیفری افزایش می‌یابد، درخواست خود مبنی بر صدور این‌گونه قرارها از سوی مقام‌های قضایی را ارائه دهند تا از ره‌گذر سلب آزادی متهمان؛ اخذ تضمین مناسب مانند وثیقه از آنان،

۱-۲- وظایف ناظر به مرحله‌ی پیش‌دادرسی

مرحله‌ی پیش‌دادرسی یا قبل از محاکمه شامل آن دسته از تدابیر نظام عدالت کیفری است که به منظور کشف جرم؛ تعقیب متهمان؛ و تحقیق از آنان انجام می‌پذیرد. به دیگر سخن، در این مرحله، دست‌اندرکاران سیاست جنایی با بهره‌جستن از روش‌های مختلف، به دنبال شناسایی جرم‌ها؛ گردآوری ادله‌ی مرتبط با آن؛ تعقیب متهمان؛ و تحقیق از آنان می‌باشند. بدین ترتیب، کشف جرم؛ تعقیب متهمان و انجام تحقیقات ناظر به آنان، از مرحله‌های فرایند پیش‌دادرسی به شمار می‌روند. سیاست‌گذاران جنایی ایران

به منظور پاسخ‌دهی مناسب به قاچاق کالا، در شماری از مقررات تقنینی و فروتقنینی برای سازمان‌های شاکی در مرحله‌ی پیش‌دادرسی، وظایف متعددی را برشمرده‌اند. این وظایف عمدتاً در زمینه‌ی طرح شکایت از مرتکبان قاچاق کالا در نهادهای قضایی؛ انجام تحقیقات مربوط به این گونه بزه‌کاری؛ و هم‌چنین درخواست تأمین کیفری، پیش‌بینی شده است. از این رو، مطابق قسمت پایانی ماده‌ی ۲ قانون مذکور و ماده‌ی ۷ آیین‌نامه‌ی اجرایی آن، سازمان‌های شاکی مکلف‌اند در صورت خودداری متهمان از پذیرش و تحمل پاسخ‌های مالی تعیین شده از سوی سازمان‌های مذکور، در مدت پنج روز از زمان کشف جرم، پرونده را برای رسیدگی به نهادهای قضایی ارسال نمایند. بدین‌سان، سازمان‌های یاد شده با توجه به این مواد، وظیفه‌ی طرح شکایت از مرتکبان قاچاق کالا در نهادهای قضایی را بر عهده دارند تا این نهادها پس از دریافت شکایت، به موجب مواد ۳ و ۴ دستورالعمل نحوه‌ی رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، موضوع تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۴ قانون نحوه‌ی اعمال تعزیرات حکومتی، راجع به قاچاق کالا و ارز (۱۳۷۴) خارج از نوبت و نهایتاً در مدت یک ماه از تاریخ دریافت پرونده، نسبت به رسیدگی و صدور رأی همت گمارند. افزون بر این،

و دریافت جزای نقدی از مرتکبان این گونه بزه کاری، اقدام نمایند. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که در مرحله‌های دادرسی و پس‌اداری نیز سازمان‌های شاکی با برخورداری از وظایف متعدد در زمینه‌ی پاسخ‌دهی به قاچاق کالا، مداخله و مشارکت می‌نمایند.

نتیجه‌گیری

قاچاق کالا از بارزترین مصادیق جرم‌های اقتصادی است که امروزه سیاست‌گذاران جنایی، از ره‌گذر اتخاذ تدابیر مختلف از جمله شناسایی سازمان‌های کنترل‌کننده‌ی این گونه بزه‌کاری، به دنبال کاهش میزان آن می‌باشند. در قلمرو سیاست جنایی نیز قانون‌گذار ایران از سال ۱۳۱۲ با تصویب قانون مجازات مرتکبان قاچاق و سپس تدوین مقررات متعدد ماهوی و شکلی در این خصوص، به دنبال پاسخ‌دهی مناسب به جرم‌های مذکور بوده است. به همین دلیل، تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران از ره‌گذر پیش‌بینی و تأسیس سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا نظام‌مند کردن ساختار و فرایند کنترل این گونه بزه‌کاری را مورد توجه قرار داده‌اند. از این رو، در مقررات متعدد از جمله قانون نحوه‌ی اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا (۱۳۷۳) و آیین‌نامه‌ی اجرایی آن، سازمان‌های مزبور شناسایی، و وظایف آن‌ها در این زمینه، تبیین شده است. بر همین اساس، این سازمان‌ها با برخورداری از ماهیت، جایگاه و وظایف مختلف، در راستای پاسخ‌دهی به قاچاق کالا گام برمی‌دارند. سازمان‌های مذکور با برخورداری از ماهیت اداری - اجرایی و انتظامی، وظایف متعددی را در مرحله‌های پیرا قضایی و قضایی بر عهده دارند که عمدتاً آن‌ها را فراتر از یک شاکی کلاسیک معرفی می‌کند. با وجود این، به نظر می‌رسد سیاست جنایی ایران در زمینه‌ی سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا با چالش‌های متعددی روبه‌رو باشد.

نخست این که، بیش‌تر مقررات ناظر به ماهیت و وظایف این سازمان‌ها، احاله‌ای هستند و همواره برای تبیین دقیق ماهیت و وظایف سازمان‌های مذکور، باید مقررات متعددی را مورد بررسی قرار داد. از این رو، بازنگری در

امروزه به دلیل پیدایش تحولات اقتصادی و صنعتی و به دنبال آن جهانی شدن اقتصاد، روابط اقتصادی میان جوامع مذکور، به صورت ویژه از اهمیت برخوردار شده است. به همین منظور، قانون‌گذاران برای نظم‌بخشی به این روابط و ایجاد تعادل در مناسبات اقتصادی میان جوامع مزبور، ضوابط و قواعدی را پیش‌بینی کرده‌اند که در پرتو آن فعالان عرصه‌ی اقتصادی و تجاری با رعایت آن‌ها به گونه‌ای مطلوب در راستای تعاملات اقتصادی و تجاری سالم گام بردارند

این دسته از مقررات و تدوین قانون جامع ناظر به قاچاق کالا در بعد ماهوی و شکلی، به طور کلی سیاست جنایی ایران و به طور خاص جایگاه سازمان‌های شاکی در این زمینه را به گونه‌ای مناسب‌تر و شفاف‌تر نمایان می‌سازد.

دوم این که، نقش سازمان‌های شاکی در قاچاق کالا، بیش‌تر مطابق مقررات فروتقنیتی شده است که به نظر می‌رسد با توجه به تزلزل این دسته از مقررات و تغییر آن‌ها بدون رعایت تشریفات ناظر به قانون‌گذاری؛ بازنگری مقررات مربوط به جایگاه و وظایف این سازمان‌ها؛ و تبیین آن‌ها در مقررات تقنینی، ضروری باشد.

سوم این که، با توجه به وظایف پیش‌بینی شده برای سازمان‌های شاکی، آن‌ها از یک شاکی کلاسیک فراتر رفته و از وظایف و اختیارات گسترده‌ای در زمینه‌ی پاسخ‌دهی به قاچاق کالا برخوردار می‌باشند؛ زیرا سازمان‌های شاکی مطابق مقررات موجود، موظف‌اند

افزون بر طرح شکایت در راستای رسیدگی و حتی اجرای حکم کیفری نیز گام بردارند. بدین سان، واگذاری وظیفه‌ی یاد شده، سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق کالا را به ظاهر به سوی قضازدایی سوق می‌دهد اما به دلیل ملزم نبودن سازمان‌های شاکی به رعایت تشریفات ناظر به رسیدگی‌های قضایی، آن را به سوی امنیت‌مداری هدایت می‌کند. از این رو، اگر چه قضازدایی امروزه از جمله مهم‌ترین راهبردهای سیاست جنایی برای تسریع در پاسخ‌دهی به بزه‌کاری کاهش حجم پرونده‌های قضایی کیفری؛ و حتی کم کردن هزینه‌های مالی نظام عدالت کیفری به شمار می‌رود، ولی گرایش سیاست جنایی ایران به این راهبرد و درک نادرست از کارکردهای آن، موجبات کنارگذاری حقوق‌گرایی و پذیرش اقتدارگرایی را فراهم کرده است؛ به گونه‌ای که در پرتو این رویکرد، نهادهای قضایی - که همواره باید اصلی‌ترین مرجع پاسخ‌دهنده به بزه‌کاری باشند - در زمینه‌ی پاسخ‌دهی به قاچاق کالا، تنها از ره‌گذار سازمان‌های شاکی، توانایی رسیدگی به این گونه بزه‌کاری را دارند.

چهارم این که، بر اساس مقررات ناظر به قاچاق کالا، رسیدگی به این گونه بزه‌کاری در نهادهای قضایی، به طرح شکایت از سوی سازمان‌های شاکی وابسته است. از این رو، به نظر می‌رسد تفکیک برخی از این جرم‌ها با توجه به معیار شدت و وخامت، و رسیدگی به آن‌ها در نهادهای قضایی، بدون نیاز به طرح شکایت از سوی سازمان‌های شاکی می‌تواند ساختار پاسخ‌دهی به قاچاق کالا را از منظرهای مختلف به گونه‌ای مناسب‌تر سامان‌دهی نماید.

بدین ترتیب، با توجه به این که امروزه سیاست جنایی بین‌المللی و همچنین ایران به مقابله با قاچاق کالا به شکل ویژه توجه می‌نمایند، شناسایی دقیق ماهیت، جایگاه و وظایف سازمان‌های کنترل‌کننده و شاکی، می‌تواند به اثربخشی سیاست جنایی در این زمینه کمک کند. از این رو، توجه تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران به بازنگری در مقررات ناظر به قاچاق کالا، می‌تواند در دست‌رسی به هدف یاد شده - که همانا کاهش میزان این گونه بزه‌کاری است - بسیار تأثیرگذار باشد. ■